DOI: 10.22067/jlkd.2021.48456.0

مجلۀ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال دوازدهم ، شماره ۳، بهار تابستان ۱۳۹۹، شمارۀ پیاپی ۲۲

زبان فارسی، زبانی بدون رد وابسته

سید مهدی ساداتی نوش آبادی (دانشجوی دکتری، واحد تحصیلات تکمیلی تهران، تهران، ایران) (نویسنده مسئول)
مهدی سبزواری (استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
نرجس بانو صبوری (دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
مزدک انوشه (استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

صص: ۲۹-۱

چکیده

در این مقاله رد وابسته در زبان فارسی بر اساس دو رویکرد پیشنهادی در برنامۀ کمینه‌گرا به نام‌های «حرکت کناره‌ای» و «ادغام متقارن» تحلیل می‌شود. این مقاله ادعا می‌کند که رویکرد «حرکت کناره ای» با قائل شدن به حرکت کناره ای یک گروه اسمی از بند ادات به بند اصلی جمله جهت بازبینی و ارزش گذاری مجدد مشخصۀ حالت خود، با مبانی برنامۀ کمینه‌گرا مبنی بر حذف شدن مشخصه‌های تعبیرناپذیر پس از ارزش‌گذاری آن‌ها در فرایند اشتقاق جمله، در تضاد است. استفاده از رویکرد «ادغام متقارن» و پذیرش رد وابسته به‌عنوان یک گروه اسمی مشترک بین بندهای ادات و اصلی جمله نیز با توجه به نمونه‌های زبانی از زبان فارسی که در آن‌ها مشخصه‌های حالت مختلفی برای گروه اسمی مشترک در بندهای جمله وجود دارد، نمی‌تواند مبنای توضیح این پدیده نحوی قرار گیرد. شواهد تجربی بیشتر از زبان فارسی، نشان‌دهندۀ ویژگی‌های متفاوتی برای ساختارهای دارای رد وابسته است به‌گونه‌ای که گروه اسمی جابه‌جاشده می‌تواند دارای مشخصه حالت متفاوتی در هر دو بند جمله باشد و حتی وجود ضمیر در جایگاه رد اصلی در جمله باعث بدساختی جمله نمی‌شود. این مقاله ادعا می‌نماید که شواهد تجربی از زبان فارسی باستان و میانه مبنی بر عدم وجود جمله‌های دارای رد وابسته در آن‌ها و همچنین شواهد زبان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

پست الکترونیکی:
1. sadati@student.pnu.ac.ir 2. m.sabzevari@shahryar.tpnu.ac.ir
3. n.sabouri@gilan.pnu.ac.ir 4. mazdakanushe@ut.ac.ir

فارسی نو مبنی بر ویژگی های خاص این پدیده دستوری، نشانگر ایـن واقعیـت اسـت کـه زبان فارسی فاقد پدیده نحوی رد وابسته است و سـاختارهایی از زبـان فارسـی نـو کـه در آن‌ها به‌ظاهر رد وابسته وجود دارد، نشان‌دهنده تغییـرات تـدریجی در زبـان فارسـی نـو و پیدایش این نوع از ساخت‌ها در این زبان است.

کلیدواژه‌ها: رد وابسته، برنامهٔ کمینه‌گرا، حرکت کناره‌ای، ادغام متقارن

۱. مقدمه

یکی از واقعیت‌های مهم زبان انسان، وجود سازه‌هایی در جمله است که از جایگـاه اصـلی خود حرکت کرده‌اند و به موقعیت جدیدی منتقل‌شده‌اند اما خوانش آن‌ها در سـطح منطقـی در موقعیتی به‌غیراز موقعیت فعلی آن‌ها انجام می‌شود. در این مقاله، پدیدهٔ نحوی «رد وابسـته»[1] در زبان فارسی با استفاده از تبیین‌های فراهم‌شده توسط دو رویکرد پیشنهادی در برنامهٔ کمینـه‌گـرا با نام‌های «حرکـت کنـاره‌ای»[2] نـونز[3] (۱۹۹۵) و «ادغـام متقـارن»[4] چیتکـو[5] (۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ب) بررسی می‌شود. پدیدهٔ «رد وابسته» به ساختاری نحوی اطلاق می‌شود کـه در آن، گـروه اسـمی جابه‌جاشده دارای خوانش از چندین رد در جمله است و به‌عنوان مرجع واحـدی بـرای آن‌هـا محسوب می‌شود. به‌عنوان‌مثال در جمله‌های پرسشی شماره‌ی 1.A و 1.B عبارت‌های پرسشی «Which paper» و «Which report»، می‌توانند هم‌زمان به‌عنوان مرجع دو رد به نام‌های t_i و t'_i در نظر گرفته شوند. رد اول (t_i) که به آن «رد واقعی»[6] اطلاق می‌شود، جایگـاهی اسـت کـه گروه‌های اسمی جابجا شـده «which paper» و «which report» از آن موقعیـت‌هـا حرکـت نموده‌اند و به جایگاه‌های غیر موضوع در جمله، منتقـل‌شـده‌انـد، رد دیگـر (t'_i) بـه‌عنـوان «رد وابسته» شناخته می‌شود زیرا که وجود آن، وابسته به حضور رد واقعی در جملـه (t_i)، اسـت و در صورت عدم وجود رد واقعی در جمله، رد وابسته نمی‌تواند ایجاد شود و همچنین سـازه‌ای که رد وابسته در آن وجود دارد امکان خروج به گروه اسمی را نمی‌دهد (هگمن[7] ۱۹۹٤: ٤٧٤).

1. Parasitic Gap
2. Sideward Movement
3. Nunes
4. Symmetric Merge
5. Citko
6. Real Gap
7 . Hageman

1. A. Which paper did you file t_i without reading t'_i?
   B. Which report did you modify t_i without classifying t'_i?

سؤالی که در این تحقیق پاسخ داده می‌شود این است کـه آیـا در زبـان فارسـی مثـال‌هـای شماره ۲ الف. و ۲ ب. می‌توانند نشان‌دهندهٔ پدیدهٔ نحوی «رد وابسته» باشند یـا خیـر؟ در ایـن تحقیق با توجه به ویژگی‌ها و شواهد تجربی در زبان فارسی، این پدیدهٔ نحوی با اسـتفاده از دو رویکرد پیشنهادی نونز (۱۹۹۵) مبنی بر حرکت کناره‌ای یک گروه اسـمی از بنـد ادات بـه بنـد اصلی جمله و همچنین رویکرد چیتکـو (۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ب) مبنـی بـر وجـود ادغـام متقـارن و اشتراک یک گروه اسمی بین بند اصلی و بند ادات جمله بررسی می‌شود و ماهیت اصـلی ایـن پدیدهٔ نحوی در زبان فارسی توضیح داده می‌شود.

۲. الف. {کدام کتاب را}$_i$ شما t_i خریدید بدون آن‌که *PG بخوانید؟[۱]

ب. {کدام گزارش‌ها را}$_i$ شما t_i اصلاح کردید بدون آن‌که PG طبقه‌بندی نمایید؟

در این پژوهش، شواهد تجربی از زبان فارسی از سه دورهٔ باستان، میانه و نو ذکر می‌شود و در آن‌ها پدیدهٔ نحوی رد وابسته در ساختارهای پرسشی بررسـی مـی‌شـوند. همچنـین در ایـن تحقیق پـس از بررسـی دو رویکـرد پیشـنهادی نـونز (۱۹۹۵) و چیتکـو (۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ب)، بـا استفاده از شواهد تجربی از زبان فارسی نو و در نظر گرفتن ویژگی‌هـای خـاص رد وابسـته در این زبان مانند امکان وجود نظام حالت متفاوت در بند اصلی و ادات جمله برای گـروه اسـمی جابه‌جاشده و امکان حضور ضـمیر در جایگـاه رد واقعـی بـدون ایجـاد بدسـاختی در جملـه، وضعیت رد وابسته در زبان فارسی بررسی می‌شود.

۲. پیشینهٔ تحقیق

اولین بار راس[۲] (۱۹٦۷) به وجود پدیدهٔ رد وابسـته اشـاره نمـود؛ امـا ترادلسـن[۳] (۱۹۸۱) و انگدال[٤] (۱۹۸۳) سعی کردند که این پدیدهٔ نحوی را تبیین نمایند. تاکنون زبـان‌شناسـان زیـادیماننـد برزنـان[٥] (۱۹۷۷)، چامسـکی[٦] (۱۹۸۲ و ب۱۹۸٦)، کـین[۱] (۱۹۸۳)، کالیکـاور[۲] (۲۰۰۱) و

---

۱. در این مقاله رد واقعی با حرف اختصاری (t) و رد وابسته با حروف اختصاری (PG) نشان داده می‌شوند.

2. Ross
3. Taraldsen
4. Engehdal
5. Bresnan
6. Chomsky

پستال[3] (۱۹۹۳)، نونز (۱۹۹۵ و ۲۰۰٤)، نیسن بوم[4] (۲۰۰۰) و هورنستین[5] (۲۰۰۱) این پدیدهٔ نحوی را بررسی کرده‌اند. تحقیقات انگدال (۱۹۸۳) دربارهٔ رد وابسته و شرایط خوش‌ساخت بودن جمله دارای آن، به این نتیجه‌گیری رسید که؛ ۱. مرجع رد وابسته باید در جایگاه غیر موضوع قرار داشته باشد، ۲. رد وابسته تنها در روساخت جمله دارای مجوز حضور است، ۳. مرجع رد وابسته باید فقط یک گروه اسمی باشد، ٤. رد واقعی امکان سازه فرمانی کمینه رد وابسته را ندارد، ۵. رد وابسته با مرجع رد واقعی ایجاد یک زنجیره می‌نمایند. وی (همان: ۹) دربارهٔ درجهٔ پذیرش جمله‌های دارای رد وابسته اعلام می‌کند که وجود رد وابسته در بندهای ناخودایستا نسبت به بندهای خودایستا از میزان پذیرش بیشتری در میان مخاطبان برخوردار است. انگدال (۱۹۸۳) و چامسکی (۱۹۸۲) محدودیت‌هایی را برای ساختارهای دارای این پدیدهٔ نحوی ارائه می‌نمایند: رد وابسته توسط یک رد t مجوز داده می‌شود اگر: ۱. رد t در روساخت به‌عنوان یک متغیر حضورداشته باشد، ۲. رد t بر رد وابسته سازه فرمانی نداشته باشد. راس (۱۹٦۷) ساختارهای دارای رد وابسته و ساختارهای دارای حرکت موازی[6] را مشابه می‌داند چراکه به نظر می‌رسد عنصر جابجا شده در هر دو جمله (1.A) و (1.B) از بیش از یک موقعیت استخراج‌شده باشند. ازاین‌رو برخی از زبان‌شناسان تحلیلی یکسان از این دو ساختار نحوی ارائه کردند مانند هایک[7] (۱۹۸۵)، ویلیامز[8] (۱۹۹۰)، و آن[9] (۲۰۰۷)؛ اما محققان دیگری مانند مون[10] (۱۹۹۳) و پستال (۱۹۹۳) با ذکر شواهدی نشان دادند که نمی‌توان این دو ساختار را مانند یکدیگر تجزیه وتحلیل کرد. نینوما[11] (۲۰۱۰) در تحلیل رد وابسته در زبان رومانیایی با ارائه تحلیل‌هایی مبتنی بر نتایج تحقیقات مون (۱۹۹۳) و پستال (۱۹۹۳) به این نتیجه‌گیری رسید که نمی‌توان اشتقاق پدیده رد وابسته در این زبان را مانند اشتقاق ساختارهای دارای حرکت موازی در نظر گرفت.

---

1. Kayne
2. Culicover
3. Postal
4. Nissenbaum
5. Hornestein
6. Across The Board Construction
7. Haik
8. Williams
9. An
10. Munn
11. Niiunuma

کریمی (۱۹۹۹ ب و ۲۰۰۵: ۳۵) در پژوهش خود دربارهٔ رد وابسته در زبان فارسی نتیجه‌گیری کرد که مفعول مشخص در جمله‌های زبان فارسی مجوز دهندهٔ رد وابسته است. ایشان (۲۰۰۵: ۳۷) در پژوهش خود با ارائه تعریف بازنویسی شده از مفهوم مشخص بودگی انک[1] (۱۹۹۱) بیان می‌کند که گروه اسمی در زبان فارسی به دو گروه تقسیم می‌شوند: مشخص[2] و نامشخص[3] و تنها گروه‌های اسمی مشخص در زبان فارسی که همیشه همراه حرف‌اضافه «را» در جمله ظاهر می‌شوند[4]، می‌توانند مجوز دهنده رد وابسته در جمله باشد.

ساداتی نوش‌آبادی و صبوری (۱۳۹۷) در تحقیق خود درباره حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی میانهٔ زردشتی، موضوع حضور پرسش‌واژه و جزء پرسشی در جمله‌های پرسشیِ آری–خیر این زبان را مطابق با «اصل نگارش بند[5]» (چنگ[6] ۱۹۹۱ و ۱۹۹۷) بررسی کردند. بر اساس پژوهش چنگ(۱۹۹۱ و ۱۹۹۷)، فقط زبان‌هایی که دارای جزء پرسشی در ابتدای بند جملات پرسشیِ آری ـ خیر هستند، می‌توانند مجوزدهندهٔ حرکت نحویِ پرسش واژه‌ها در جملات پرسشی باشند و در صورت عدم وجود جزء پرسشی در ابتدای بند جمله‌های پرسشیِ آری ـــ خیر، پرسش واژه‌ها در آن زبان‌ها از نوع ابقایی خواهند بود. نتیجهٔ بررسی ساداتی نوش‌آبادی و صبوری (۱۳۹۷) دربارهٔ جمله‌های پرسشی آری– خیر در زبان فارسی میانهٔ زردشتی نشان داد که این جمله‌ها فاقد هرگونه جزء پرسشی در ابتدای بند خود هستند و همچنین پرسش‌واژه‌ها در این زبان از نوعِ ابقایی هستند و دارای هیچ‌گونه حرکت نحوی نیستند.

---

1. Enç
2. Specific
3. Non-specific

٤. در زبان فارسی حرف اضافه «را» همیشه نشان‌دهنده مفعول مستقیم مشخص نمی‌باشد. به عنوان مثال می‌توان جملاتی را در زبان فارسی ذکر نمود که دارای دو گروه اسمی هستند و هر دو گروه اسمی دارای حرف اضافه «را» می‌باشند (کریمی، ۱۹۸۹).

حسن را برادرش را می‌شناسم.

در جمله فوق نمی‌توان تنها با استفاده از نشانه «را» مفعول مستقیم مشخص را شناسایی نمود زیرا در آن صورت می‌توان به اشتباه «حسن» را به نیز عنوان مفعول مستقیم مشخص در نظر گرفت که این امر صحیح نمی‌باشد. با استفاده از شم زبانی سخنگویان فارسی می‌توان بیان کرد که در جمله فوق مفعول مستقیم مشخص «برادر حسن» می‌باشد که حرف اضافه «را» در میان اجزای این گروه اسمی که در نقش مفعول مستقیم مشخص می‌باشد وارد شده است؛ و یا می‌توان به جمله ذیل اشاره نمود که حرف اضافه «را» در کنار قید زمان بکار رفته است و نمی‌تواند از نظر ساختاری نشان‌دهنده مفعول باشد:
امشب را این جا هستم.

5. Clausal Typing Hypothesis
6. Cheng

ساداتی نوش‌آبادی و صبوری (۱۳۹۸ الف) در پژوهش خود درباره حرکت سازه‌های جمله‌های زبان فارسی باستان و فارسی میانه نشان دادند که سازه‌ها در جمله‌های این زبان‌ها می‌توانند بر اساس فرایند قلب نحوی در جایگاه‌های مختلفی قرار بگیرند اما در بررسی جمله‌های زبان فارسی باستان و فارسی میانه نمونه‌ای از رد وابسته مشاهده نشد.

۳. مبانی نظری

در نظریۀ حاکمیت و مرجع‌گزینی که یکی از رویکردهای دستور زایشی است، برای تحلیل رد وابسته از دو روش استفاده‌شده است: رویکرد مبتنی بر حرکت (چامسکی ب ۱۹۸٦، براونینگ[1] ۱۹۸۷) و رویکرد مبتنی بر نبود حرکت (چامسکی ۱۹۸۲؛ کین ۱۹۸۳؛ پستسکی[2] ۱۹۸۲ و سینکو[3] ۱۹۹۰). در رویکرد مبتنی بر حرکت، رد وابسته به‌عنوان یک رد در نظر گرفته می‌شود که به علت حرکت یک سازه به‌وجود آمده است. چامسکی (ب ۱۹۸٦) در بررسی ماهیت پدیده رد وابسته اعلام می‌نماید که رد وابسته یک متغیر است که به‌طور مستقیم توسط عملگری در خارج از افزوده‌ای که در آن قرار دارد، مقید شده است. به دلیل آن‌که متغیرها باید به جایگاه غیر موضوع مقید باشند بنابراین تنها حرکت‌های غیر موضوع می‌توانند جواز دهنده رد وابسته باشند.

در رویکرد مبتنی بر عدم حرکت، فرض بر این است که رد وابسته در حقیقت یک ضمیر تهی است. هگمن (۱۹۹٤: ٤٧٤) دربارۀ منشأ پیدایش رد وابسته اعلام می‌کند که رد وابسته را نمی‌توان به‌عنوان رد پرسش‌واژه در نظر گرفت زیرا پرسش‌واژه نمی‌تواند در زیرساخت جمله، دارای دو جایگاه مختلف باشد. یکی از تحلیل‌های ارائه‌شده توسط وی برای تحلیل رد وابسته، در نظر گرفتن رد وابسته به‌عنوان ضمیر PRO است.

3. Ali is the man whom$_i$ you distrust t$_i$ when you meet e$_{i.}$

در این روش فرض بر این است که جایگاه t$_i$ در زیرساخت توسط whom و جایگاه رد وابسته در زیرساخت (e$_{i.}$) توسط یک عنصر تهی که دارای نقش معنایی است، اشغال شده‌اند و این عنصر تهی در زبان انگلیسی دارای ویژگی‌های [+مرجع‌دار +ضمیری[4]] است که همان

1. Browning
2. Pesetsky
3. Cinque
4. [+pro; +anaphor]

ویژگی‌های ضمیر PRO است. در این روش، ضمیر PRO تحت کنترل فعل جمله است و این نکته نیز دارای اهمیت است که شرط عدم حاکمیت بر ضمیر PRO در زیرساخت رعایت نمی‌شود.

4. Ali is the man [$_{cp}$[$_{IP}$ you distrust whom$_i$ [$_{cp}$when [$_{IP}$ you meet e_2=PRO$_i$]]]].

این جمله در روساخت دارای ساختار ذیل است:

5. Ali is the man [$_{cp}$[$_{IP}$ whom$_i$ you distrust t_i [$_{cp}$when [$_{IP}$ you meet e_{2i}=*PRO$_i$/ t_i]]]].

با توجه به اصل اعطای حالت در روساخت، اگر e_2 در روساخت جمله فوق تحت حاکمیت فعل (meet) باشد، بنابراین e_2 در جایگاه مفعول قرار دارد و باید حالت مفعولی به آن اعطا شود اما این وضعیت باعث می‌شود که اصل عدم حاکمیت برای ضمیر PRO نقض شود و حضور ضمیر PRO در روساخت باعث ایجاد جمله بدساخت می‌شود. با نگاهی به این تحلیل متوجه این موضوع می‌شویم که e_2 دارای دو ویژگی متفاوت در زیرساخت به صورت [+مرجع‌دار +ضمیری] و در روساخت به صورت [−مرجع‌دار -ضمیری] است. با توجه به این اصل که مشخصات واژگان در زیرساخت در روساخت نیز حفظ می‌شود (چامسکی ب ۱۹۸۶: ۱۷)، بنابراین e_2 نمی‌تواند در روساخت دارای ویژگی‌های باشد که در زیرساخت فاقد آن‌ها بوده است.

دو رویکرد بر اساس برنامه کمینه‌گرا برای بررسی پدیده رد وابسته با نام های حرکت کناره‌ای (نونز ۱۹۹۵، ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵) و هورنستین (۲۰۰۱) و ادغام متقارن (چیتکو ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ب) پیشنهاد شده است.

۳-۱ حرکت کناره‌ای

نونز (۱۹۹۵، ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵) و هورنستین (۲۰۰۱) در تحلیل پدیدهٔ رد وابسته این پیشنهاد را مطرح نمودند که رد وابسته به دلیل «حرکت کناره‌ای» مانند مثال‌های ذیل ایجاد می‌شود.

6. Which paper did you file without reading?
   [Which paper]$_i$ did you file t_i without reading pg?
7. a. K= [without reading [which paper]]
   b. L = file
8. a. K = [without reading [which paper]]
   b. L = file [which paper]
9. [$_{VP}$ [$_{VP}$ file [which paper]] [$_{PP}$ without reading [which paper]]]

10. [did you $[_{VP}$ $[_{VP}$ file [which paper]] $[_{PP}$ without reading [which paper]]]]

11. a. [[which paper]$_1$ did you $[_{VP}$ $[_{VP}$ file [which paper]$_2$] $[_{PP}$ without reading [which paper]$_3$]]]

b. Deletion in the phonological component:

12. [[which paper] did you $[_{VP}$ $[_{VP}$ file [~~which paper~~]] $[_{PP}$ without reading [~~which paper~~]]]]

در تحلیل پیشنهادی نونز (۱۹۹۵، ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵)، رد وابسته در حقیقت یک کپی از گروه پرسش‌واژه جابجا شده است. نونز (۲۰۰٤) این ادعا را مطرح می‌نماید که گروه پرسشواره در بند ادات در ابتدا با یک حرکت کناره‌ای به جایگاه مفعول در بند اصلی حرکت می‌نماید و سپس با یک حرکت آشکار به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما جابجا می‌شود. اگر این حرکت یک فرایند صحیح باشد (بشکوویچ[1] ۱۹۹٤؛ لاسنیک[2] ۱۹۹۵) در ابتدا گروه پرسشی [which paper] با یک حرکت کناره‌ای به موقعیت مفعول در بند اصلی جمله و سپس از آن موقعیت به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم نما منتقل می‌شود. اکنون دو زنجیره CH1 (copy1, copy2) CH2 (copy1, copy3) تشکیل‌شده است. در مرحلۀ نهایی بر اساس عملیات «کاهش زنجیره»[3] یکی از زنجیره‌ها حذف می‌شود. عملیات کاهش زنجیره به معنای «حذف کمترین تعداد از اجزای تشکیل‌دهنده زنجیره CH است به‌طوری‌که خوانش زنجیره CH در ترتیب خطی بر اساس اصل تناظر خطی (LCA) باشد» (نونز ۲۰۰٤: ۲۷). بر اساس نونز (نونز، ۱۹۹۵) کپی سازه جابه‌جاشده نسبت به سازه موجود در لایه زیرین که با آن تشکیل یک زنجیره را داده است، دارای مشخصه‌های صوری کمتری بوده و بر اساس اصل اقتصادی، حذف سازه در لایۀ زیرین به دلیل داشتن مشخصه‌های بیشتر، منطقی است. با فرود سازه منتقل‌شده به جایگاه جدید و بازبینی مشخصۀ خود، کپی سازه نسبت به سازۀ اصلی، دارای مشخصۀ صوری کمتری است. اکنون با توجه به اصل اقتصادی و اصل کاهش زنجیره (نونز، ۱۹۹۵) حذف سازه در لایۀ پایینی به دلیل داشتن مشخصه‌های بیشتر و بازبینی نشده، شرایط لازم را برای تظاهر آوایی جمله مطابق با اصل تناظر خطی کین (۱۹۹٤) فراهم می‌سازد. بر اساس نونز (۱۹۹۵: ٦) حرکت مرجع رد وابسته به دلیل بازبینی مشخصۀ خود یعنی مشخصۀ تعبیرناپذیر (uWH) است. با توجه به این موارد، بهترین گزینه برای کاهش زنجیره، شامل

---

1. Boskovic
2. Lasnik
3. Chain Reduction

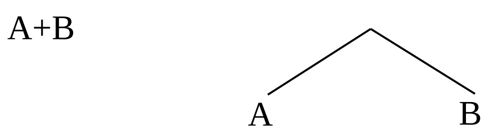
حذف کپی‌های موجود در لایه‌های پایین است (copy 1 و copy 2) که در جمله شماره ۱۳ نشان داده‌شده است. این کاهش زنجیره باعث می‌شود که اشتقاق، مبتنی و سازگار با اصل تناظر خطی قرار بگیرد و شرایط لازم تعیین‌شده توسط سطح واجی رعایت شود.

13. [[which paper]$_{copy\ 3}$ did you [$_{VP}$ [$_{VP}$ file [~~which paper~~]$_{copy\ 2}$] [$_{PP}$ without reading [~~which paper~~]$_{Copy\ one}$]]]

14. Which paper did you file without first reading?

۳-۲ رویکرد ادغام متقارن

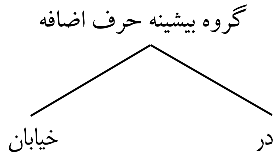
با معرفی «برنامهٔ کمینه‌گرا» توسط چامسکی (۱۹۹۵)، فرایندهای دخیل در اشتقاق جمله بر اساس روش‌شناسی اقتصادی بازنگری شدند و فرایندهای طبیعی که در اختیار نظام محاسباتی زبان قرار داشتند، موردتوجه قرار گرفتند. ازنظر چامسکی (۲۰۰۱: ٦) «هسته نحو زبان[1]» دارای فرایندی با نام «ادغام» است که به‌طور طبیعی در اختیار نظام محاسباتی زبان قرار دارد و برای نظامی که دارای درونه‌گیری است، موردنیاز است. وی (۲۰۰۱: ۲) ادغام را فرایند غیرقابل‌انکار هر نظام دارای قابلیت درونه‌گیری می‌داند که در آن با استفاده از دو سازه نحوی A و B، سازه جدید G={A,B} ایجاد می‌شود. چامسکی (۲۰۰۱: ۲) دو نمونه از فرایند ادغام را با نام «ادغام مجموعه‌ای[2]» معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: ادغام بیرونی[3] و ادغام درونی[4]. در ادغام بیرونی، که نمونهٔ اعلای فرایند ادغام است، دو ساختار ریشه‌ای انتخاب و با یکدیگر ترکیب می‌شوند (نمودار ۱).



نمودار ۱- فرایند ادغام بیرونی بر اساس چامسکی (۲۰۰۱: ۲)

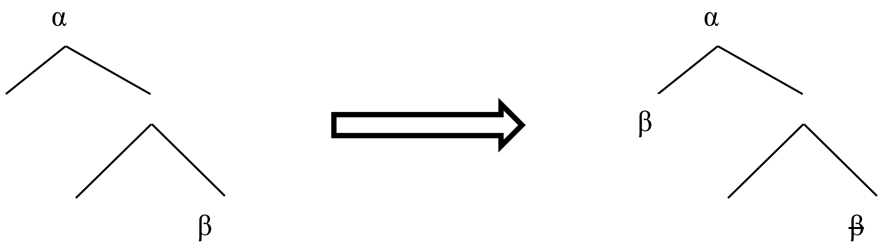
به‌عنوان‌مثال، در تشکیل گروه بیشینه حرف‌اضافه «در خیابان»، ابتدا فرایند انتخاب از فهرست واژگان دو سازه با نام‌های حرف‌اضافه «در» و گروه اسمی «خیابان» را انتخاب می‌کند و با ادغام آن‌ها، گروه بیشینه حرف‌اضافه «در خیابان» را تشکیل می‌دهد (نمودار ۲).

1. narrow syntax
2. set merge
3. external merge
4. internal merge



نمودار ۲- گروه بیشینه حرف اضافه

در ادغام درونی، یک بخش از ساختار موجود دوباره وارد فرایند ادغام می‌شـود و بـا خـود ساختار ادغام می‌شود. این فرایند نشان‌دهندهٔ حرکت نحوی اسـت. چامسـکی (۱۹۹۵) «فرضـیه بازنوشت حرکت[1]» را مطرح می‌کند که عنصری با حرکت از جایگاه اصـلی خـود، بـه جایگـاه مشخص‌گر هسته خود فرود می‌آید. چامسکی (۲۰۰۱: ۹) دربارهٔ ادغـام درونـی مـی‌گویـد کـه کارکرد ادغام درونی α و β درصورتی‌که β جزئی از α باشد باید به ایجاد مشخص‌گر جدیدی برای α شود. محققان دیگری نیز مانند اپستین و همکاران[2] (۱۹۹۸)، گارتنر[3] (۱۹۹۹)، اسـتارک[4] (۲۰۰۱) و ژانگ[5] (۲۰۰٤) مفهوم حرکت را با عنوان «ادغام درونی» تعبیر کرده‌اند (نمودار ۳).



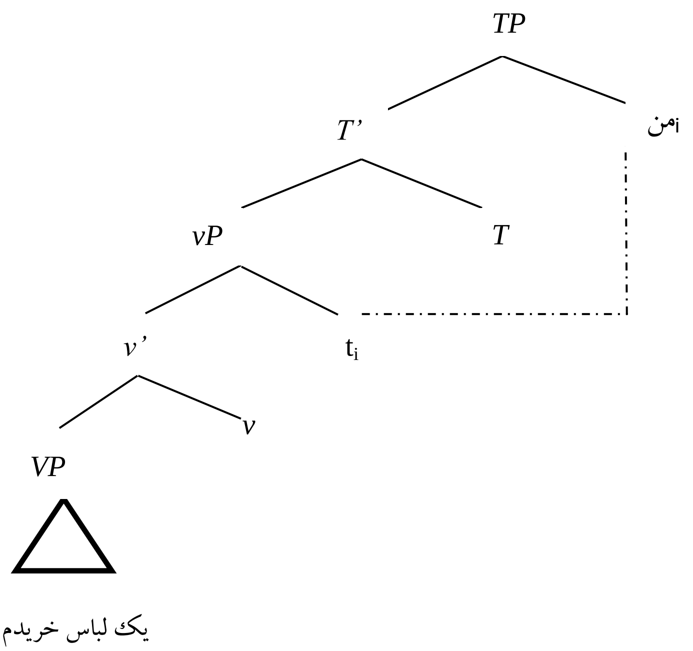
نمودار ۳- فرایند ادغام درونی بر اساس چامسکی (۲۰۰۱: ۹)

به‌عنوان‌مثال، در فعل‌های غیرکنایی در زبان فارسی (جمله شماره ۱۵) پس از تشکیل گـروه بیشینه فعلی کوچک و ادغام هسته زمان با آن، بـر اسـاس «اصـل فـرافکن گسـترده»، فاعـل از جایگاه خود در مشخص‌گر گروه بیشینه فعلی کوچک به جایگاه مشخص‌گر گروه زمـان ارتقـا

1. copy theory of movement
2. Epstin et al
3. Gartner
4. Starke
5. Zhang

می‌یابد. در این فرایند، که نمونه‌ای از ادغام درونی است، فاعل به بخشی از گروه بیشـینه زمـان تبدیل می‌شود (نمودار ٤).

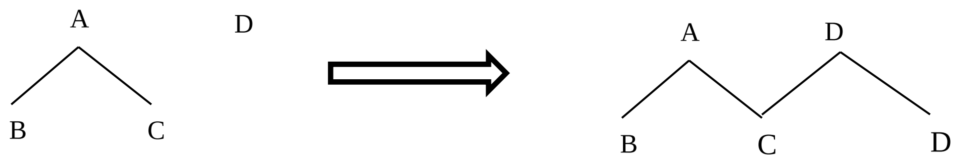
۱۵. من یک لباس خریدم.



نمودار ٤- ارتقا فاعل به جایگاه مشخص‌گر گروه بیشینه زمان

چیتکو (۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ب) با توجه به ویژگی‌های ادغام بیرونی و ادغام درونـی، نـوع سـوم فرایند ادغام با عنوان «ادغام متقارن[1]» را معرفی می‌کند که دارای ویژگـی‌هـای دو فراینـد ادغـام مذکور است. ازنظر چیتکو (۲۰۰۵: ٤٧٦) این نوع از فرایند ادغام، با ترکیـب کـردن دو سـاختار ریشه‌ای، دارای ویژگی ادغام بیرونی است و با در نظر گرفتن اشتراک یک سازه بـین دو سـازه ریشه، دارای ویژگی‌های ادغام درونی است. علت این نام‌گذاری، وجود یک سازه مشترک بـین دو سازه‌ای است که در فرایند ادغام حضور دارند و ایـن سـازه مشـترک تحـت سـازه فرمـانی گره‌های بیشینه هر دو سازه قرار دارد (نمودار ۵).

1. parallel merge



نمودار ۵- ادغام متقارن بر اساس چیتکو (۲۰۰۵: ٤٧٦)

موضوع مهم دیگری که با در نظر گرفتن فرایند ادغام متقارن مطرح می‌شود، فرایند بازبینی مشخصه ها در نظامی است که امکان وجود ادغام متقارن در آن وجود دارد. نظام حالت «جستجوگر- هدف[1]» که توسط چامسکی (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱) ارائه شد، راه‌حل مناسب را به ما ارائه می‌کند. در این نظام، ارزش‌گذاری مشخصه‌ها جایگزین بازبینی مشخصه‌ها گردیده است و در آن، مشخصه حالت یک گروه اسمی به‌عنوان یک مشخصه ذاتی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه انعکاسی از «مشخصه‌های فای[2]» بر هسته‌های زمان و گروه بیشینه فعلی کوچک است. در این نظام، مشخصه‌های تعبیرناپذیر به‌صورت فاقد ارزش وارد نظام محاسباتی می‌شوند و عملیات تطابق تحت شرایط ساختاری مناسب، به ارزش‌گذاری مشخصه‌های فاقد ارزش می‌پردازد. در نظام «جستجوگر- هدف» امکان رابطه تطابق بین یک هدف با چند جستجوگر به‌صورت هم‌زمان وجود دارد.

در مبحث مطرح‌شده توسط چامسکی (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱) دربارۀ نظام «جستجوگر - هدف»، موضوع رابطه تطابق بین یک جستجوگر و چند هدف و یا چند جستجوگر و یک هدف رد نشده است. بر این پایه؛ هیرایوا[3] (۲۰۰۵) امکان ارزش‌گذاری مشخصه‌ها به‌صورت هم‌زمان در دو هدف توسط یک جستجوگر را بررسی می‌نماید و این عملیات را «تطابق چندگانه[4]» می‌نامد. وی با ذکر شواهدی از زبان فنلاندی نشان می‌دهد که هسته گروه زمان می‌تواند هم‌زمان با فاعل درونه‌ای شده و پوچ‌واژه وارد رابطۀ تطابق شود (هیرایوا، ۲۰۰۵: ۵۱). انگاره‌ای که وی به آن اشاره می‌کند، رابطۀ تطابق بین یک جستجوگر و دو هدف است که خود می‌تواند احتمال وجود چند جستجوگر و یک هدف را نیز فراهم کند. وی با ذکر شواهدی از

1. probe-goal
2. phi-features
3. Hiraiwa
4. multiple agree

زبان فنلاندی نشان می‌دهد که هسته گروه زمان می‌تواند هم‌زمان با فاعل درونه‌ای‌شده و پوچ‌واژه وارد رابطه تطابق شود (هیرایوا، ۲۰۰۵: ۵۱).

تطابق چندگانه بر اساس هیرایوا (۲۰۰۵: ۵۱)

a) $P_{u\Phi}>G_{uCase,\Phi}, G_{uCase,\Phi}$
b) $P_{u\Phi}, P_{u\Phi}>G_{uCase,\Phi}$

در فرایند بازبینی مشخصه‌ها توسط نظام محاسباتی زبان، عملیات تطابق برای ارزش‌گذاری مشخصه‌ها استفاده می‌شود. در این فرایند، بر اساس رابطه سازه فرمانی که بین «جستجوگر» و «هدف» وجود دارد، نظام تطابق به ارزش‌گذاری مشخصه‌های فاقد ارزش می‌پردازد. به‌عنوان‌مثال، هسته زمان که مشخصۀ فای آن ارزش‌گذاری نشده است با گروه اسمی موجود در جایگاه مشخص‌گر گروه بیشینه فعلی کوچک که مشخصه فای آن دارای ارزش است، وارد رابطه تطابق می‌شود و بدین‌وسیله مشخصۀ فای هسته زمان در جمله ارزش‌گذاری می‌شود. با پذیرش ادغام متقارن و اشتراک یک عنصر بین دو گره، این پرسش مطرح می‌شود که ارزش‌گذاری مشخصه‌های سازه مشترک بین دو گره چگونه انجام خواهد شد. به‌عنوان‌مثال، اگر یک گروه اسمی بین دو گروه زمان مشترک باشد، مشخصه حالت این گروه اسمی توسط کدام هسته زمان ارزش‌گذاری خواهد شد. درصورتی‌که مشخصه حالت گروه اسمی مشترک بین دو گروه زمان ارزش یکسانی را دریافت نماید، نظام محاسباتی زبان با مشکلی مواجه نیست اما اگر مشخصه حالت گروه اسمی مشترک، دو ارزش متفاوت را از دو هسته زمان دریافت نماید، بر اساس پژوهش چیتکو (۲۰۱۱ ب: ٤۹)، نظام محاسباتی زبان بر اساس ساختار ساخت‌واژی آن زبان به ارزش‌گذاری مشخصه حالت آن گروه اسمی اقدام می‌کند. گروسز[1] (۲۰۰۹) در تحقیق مشابهی درباره نحوه ارزش‌گذاری هم‌زمان مشخصه فای یک هسته زمان توسط دو گروه اسمی موجود در جایگاه مشخص‌گر گروه بیشینه فعلی کوچک، بیان می‌کند که اگر دو گروه اسمی دارای مشخصه فای شمار به‌صورت مفرد باشند، در آن صورت پدیده «تطابق جمعی[2]» رخ می‌دهد که باعث می‌شود مشخصه فای هسته زمان به‌صورت جمع ارزش‌گذاری گردد.

1. Grosz
2. cumulative agreement

٤. تحلیل اطلاعات: رد وابسته در زبان فارسی

رویکرد حرکت کناره‌ای (نونز ٢٠٠٤) در ساختارهای دارای رد وابسته در زبان فارسی نیز صحیح است و می‌توان این پدیده را به‌وسیله آن توصیف نمود:

١٦. {چه چیزی را}$_i$ شما t_i فرستادید بدون آن‌که pg_i بسته‌بندی کنید؟

١٧. الف. K= بدون آن‌که {آن چیز را} بسته‌بندی کنید؟

ب. l = بسته‌بندی کردن

١٨. الف. K= بدون آن‌که {آن چیز را} بسته‌بندی کنید؟

ب. l = {آن چیز را} بسته‌بندی کردن

١٩. [گروه فعلی [گروه فعلی {آن چیز را} فرستادید ادات بدون آن‌که { آن چیز را} بسته‌بندی کنید.

٢٠. [آیا شما [گروه فعلی] گروه فعلی {آن چیز را} فرستادید [ادات بدون آن‌که { آن چیز را} بسته‌بندی کنید.

٢١. الف. {چه چیزی را}١ شما [گروه فعلی [گروه فعلی {آن چیز را}٢ فرستادید [ادات بدون آن‌که { آن چیز را }٣ بسته‌بندی کنید]

حذف در سطح آوایی این‌گونه است که با رعایت اصل کاهش زنجیره و حذف کپی‌های موجود در لایه‌های پایین به دلیل داشتن مشخصهٔ بیشتر و بازبینی نشده، جمله خوش‌ساخت ازنظر آوایی ایجاد می‌شود.

٢٢. {چه چیزی را}١ شما]گروه فعلی [گروه فعلی ~~{آن چیز را}٢~~ فرستادید ادات بدون آن‌که ~~{ آن چیز را }٣~~ بسته‌بندی کنید.

٢٣. چه چیزی را شما فرستادید بدون آن‌که بسته‌بندی نمایید؟

گروه پرسشواره (چه چیزی را) در ابتدا با یک حرکت کناره‌ای به جایگاه مفعول در بند اصلی حرکت می‌نماید (جمله ١٧) و سپس با یک حرکت آشکار به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم نما جابجا می‌شود (جمله ١٨). اکنون با تشکیل دو زنجیره CH1 (copy1, copy2) و CH2 (copy1, copy3) و نیز با استفاده از عملیات «کاهش زنجیره» برای حذف سازه موجود در لایه‌های پایینی (جمله شماره ٢٢)، اشتقاق جمله مبتنی و سازگار با اصل تناظر خطی ایجاد

می‌شود و شرایط لازم تعیین‌شده توسط سطح واجی رعایت می‌شود و جمله خوش‌ساخت شماره ۲۳ تولید می‌شود.

پیشنهاد حرکت کناره‌ای برای تبیین رد وابسته با مشکلاتی همراه است. انتقادی که بر روش پیشنهادی نونز (۱۹۹۵) می‌توان وارد دانست این است که در برنامهٔ کمینه‌گرا ارزش‌گذاری مشخصه‌های تعبیرناپذیر و بازبینی آن‌ها توسط نظام محاسباتی زبان، منجر به حذف شدن آن مشخصه‌ها می‌شود (هورنستین و همکاران ۲۰۰۵: ۱۵ و اجر[1] ۲۰۰۳: ۱٦۸). حال اکنون اگر روش پیشنهادی نونز (۱۹۹۵) را در اشتقاق رد وابسته در نظر بگیریم در ابتدا گروه اسمی {آن چیز} با یک حرکت کناره‌ای، به بند اصلی منتقل می‌شود و سپس به جایگاه مشخص گر گروه متمم نما حرکت می‌کند. در این رویکرد باید بپذیریم که مشخصه حالت گروه اسمی جابه‌جاشده (آن چیز) باید بعد از بازبینی‌شدن در بند ادات جمله به‌گونه‌ای ناشناخته فعال باقی بماند تا در بند اصلی جمله دوباره بازبینی و حذف شود.

اما پذیرش این موضوع برخلاف روش بازبینی و حذف مشخصه‌های تعبیرناپذیر در فرایند اشتقاق جمله است (اجر۲۰۰۳: ۱٦۸)، زیرا مشخصه‌های تعبیرناپذیر پس از بازبینی و ارزش‌گذاری شدن توسط مشخصه‌های متناظر تعبیرپذیر، باید حذف شوند و امکان فعال ماندن آن‌ها دیگر وجود ندارد. این مشکل را می‌توان با توجه به مبانی نظری ادغام متقارن برطرف نمود. پذیرش مبانی مطابقه چندگانه (هیراوا ۲۰۰۵: ۵۱) و ادغام متقارن چیتکو (۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ب) می‌تواند در تبیین حالت یکسان گروه اسمی مشترک بین دو بند جمله ما را یاری نماید. گروه اسمی جابه‌جاشده دارای مشخصه حالت یکسان در دو بند جمله است زیرا گروه فعلی کوچک در هر دو بند جمله دارای مشخصهٔ تعبیرپذیر حالت مفعولی یکسان است و متفاوت بودن نظام حالت در دو بند ادات و اصلی جمله نمی‌تواند مجوز دهنده رد وابسته باشد.

۲٤. {کدام نامه‌ها را}$_i$ شما t_i بایگانی نمودید بدون آن‌که pg_i بخوانید؟

1. Adger

در مثال شماره ٢٤ گروه اسمی {کدام نامه‌ها} در هر دو بند دارای حالت مفعولی است که به صورت یکسان از دو گروه فعلی {بایگانی نمودن} و {خواندن} آن را دریافت می‌نماید اما در مثال شماره ۲۵ متفاوت بودن حالت گروه اسمی در دو بند منجر به بدساختی جمله خواهد شد. در این مثال گروه اسمی {کتاب} دو حالت متفاوت به نام‌های حالت مفعولی و حالت اضافی را از گروه فعلی {خریدن} و حرف اضافه {به} دریافت می‌نماید.

۲۵. {کدام کتاب را}$_i$ شما t_i خریدید بدون آن‌که راجع به pg_i با ما صحبت نمایید؟

در این حالت به علت عدم ارزش‌گذاری مناسب مشخصه گروه اسمی {کتاب} با توجه به دریافت دو مشخصه حالت متفاوت از هسته دو گروه فرافکن بیشینه گروه فعلی کوچک، جمله تولیدشده، بدساخت خواهد بود.

بررسی بیشتر نمونه‌هایی از جمله های فارسی در سه دوره تاریخی باستان، میانه و نو، جنبه‌های دیگری از این پدیدهٔ نحوی را آشکار می‌کند. بررسی متون معتبر و سنگ‌نوشته‌های به‌جامانده از فارسی باستان و میانه نشان‌گر این موضوع هستند که در این زبان‌ها هیچ‌گونه ساختاری که در آن، یک گروه اسمی به‌عنوان یک مرجع برای دو و یا چند رد در جمله در نظر گرفته شود، وجود ندارد.

زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی از زبان‌های ایرانی میانه جنوب غربی است. این زبان، بازمانده‌ی گونه‌ای از زبان فارسی باستان و زبان رسمی شاهنشاهی ساسانی است. آثار برجای‌ماندهٔ فارسی میانه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: فارسی میانه‌ی کتیبه‌ای، فارسی میانه‌ی زردشتی، فارسی میانه‌ی مسیحی و فارسی میانهٔ مانوی یا ترفانی. این آثار به چهار خط نوشته‌شده‌اند: خط کتیبه‌ای، خط کتابی، خط زبوری و خط مانوی (رضائی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸: ١٣٤– ١٣٥). فارسی میانه زردشتی اصطلاحاً به زبان به‌کاررفته در آثار زردشتیان گفته می‌شود. این آثار به الفبایی نوشته‌شده که از اصل آرامی گرفته‌شده و از راست به چپ نوشته می‌شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ١٣٤).

بررسی‌های ساداتی نوش‌آبادی و صبوری (۱۳۹۸ الف) در خصوص حرکت سازه‌های جمله‌های زبان فارسی باستان و فارسی میانه نشان داد که بر اساس فرایند قلب نحوی، سازه‌های جمله می‌توانند آرایش واژگانی مختلفی در جمله داشته باشند، به‌گونه‌ای که در برخی

از جمله‌ها (جمله‌های شماره‌ی 26 و 27) ترتیب خطی سازه‌ها در جمله‌های پیرو به‌صورت فاعل+ مفعول+ فعل است ولی در برخی دیگر از جمله‌ها (شماره‌ی 28 و 29) در جمله‌های پایه ترتیب سازه‌ها متفاوت است.

26. āyadanā tyā Gaumāta hya maguš viyaka adam niyacāraya

پرستشگاه‌هایی را که گئوماته مغ ویران کرده بود، من همانند قبل ساختم (DBI سطر ٦٣-٦٤).

در جملهٔ فوق که از فارسی باستان است، فاعل {من adam}، مفعول {پرستشگاه‌هایی را که گئوماته مغ ویران کرده بود āyadanā tyā Gaumāta hya maguš viyaka} و فعل {ساختم niyacāraya} است. در این جمله مفعول پیش از فاعل در ابتدای جمله قرارگرفته و با حرکت قلب نحوی دارای خوانش نشان‌دار شده است.

27. awēšān dāmān ka nē būd hēnd ā-m brēhēnīdan tuwān ud nūn ka būd wišuft abāz passāxtan hugartar.

این آفریدگان را آنگاه‌که نبودند، پس من توانستم آفریدن و اکنون که بودند (اما) آشفتند، دوباره ساختن آسان‌تر است. (وزیدگی‌های زادسپرم، فصل ٣٤، بند ٦)

در جملهٔفوق از فارسی میانه، ترتیب خطی به‌صورت مفعول {این آفریدگان را آنگاه‌که نبودند awēšān dāmān ka nē būd hēnd} و فعل {توانستم آفریدن ā-m brēhēnīdan tuwān} است و فاعل ضمیر متصل «-m» است که قبل از فعل قرارگرفته است.

بررسی دیگر شواهد زبانی از جمله‌های زبان اوستایی نشان‌دهنده‌ی این است که در برخی جمله‌های این زبان، فعل پیش از فاعل در جمله پایه قرار گرفته، اما در جمله‌های پیرو، ترتیب سازه‌های جمله به صورت فاعل+مفعول+فعل باقی‌مانده است (مثال شماره ۲۹ از زبان اوستایی:)

28. šusat x^{v}arənō Yimat hača Vīuuaŋhušāt.

دور شد فره از جم پسر ویونگهان. (زامیادیشت، بند ۳۵)

در جملهٔفوق، فعل {دور شد šusat} پیش از فاعل جمله {فره x^{v}arənō} در ترتیب سازه‌های جمله قرارگرفته است.

29. pərəsat zaraθuštrō ahurəm mazdam ahura mazda mainiiō spəništa …. kō paoiriiō

mašiinam … āe̱rō tafnuš dāraiiat tanᵻaot haca mašiiehe.

پرسید زردشت از اهوره‌مزدا: ای اهوره‌مزدا، ای فزاینده‌ترین مینو ... که (بود) نخستین کس از مردمان ... که گرمی آتش را از تن مردم دور داشت؟ (وندیداد ۲۰، بند ۱)

در جملۀفوق که از جمله‌های پرسشی زبان اوستایی است، فعل در جملۀپایه {پرسید pərəsat} پیش از فاعل جمله {زردشت zarae̱uštrō} قرارگرفته است، اما ترتیب سازه‌ها در جمله پیرو به‌صورت بی‌نشان فاعل {نخستین کس از مردمان paoiriiō mašiinam}+ مفعول {گرمی آتش āe̱rō tafnuš} و فعل {دور داشت dāraiiat} بیان‌شده است.

از طرف دیگر بررسی شواهد تجربی از زبان فارسی نو نشان می‌دهند که پدیدۀ رد وابسته در این دوره تاریخی از زبان فارسی برخلاف زبان انگلیسی دارای خصوصیات ویژه‌ای است. یکی از منحصربه‌فردترین ویژگی‌های این پدیده بدین‌صورت است که حضور رد وابسته در جمله‌ها به‌طور کامل به‌صورت اختیاری است و حتی درصورتی‌که جایگاه رد اصلی در جمله توسط یک گروه اسمی دیگر اشغال‌شده باشد، حضور رد وابسته در جمله باعث بدساختی جمله نمی‌شود که این موضوع برخلاف یافته‌های هگمن (۱۹۹٤: ٤۷٤) است. در سه مثال ۳۰، ۳۱، ۳۲ گروه‌های اسمی {کدام مقالات را}، {کدام فایل‌ها را} و{کدام کارگر را} به‌عنوان مرجع سه رد در جمله هستند و در این جمله‌های خوش ساخت نحوی رد وابسته بعد از رد واقعی در جمله قرارگرفته است.

۳۰. {کدام فایل‌ها را}$_i$ علی t_i بایگانی نمود بدون آن‌که pg_i طبقه‌بندی نماید؟

۳۱. {کدام مقالات را}$_i$ شما t_i خواندید بدون آن‌که pg_i بایگانی نمایید؟

۳۲. {کدام کارگر را}$_i$ علی t_i استخدام نمود تا در کارخانه pg_i بکارگیرد؟

در مثال‌های ۳۳، ۳٤، ۳۵ رد وابسته در جمله قبل از رد واقعی قرارگرفته است و این جمله‌ها نیز ازنظر معنایی و نحوی خوش‌ساخت می‌باشند.

۳۳. {کدام فایل‌ها را}$_i$ علی بدون آن‌که pg_i طبقه‌بندی نماید، t_i بایگانی نمود؟

۳٤. {کدام مقالات را}$_i$ شما بدون آن‌که pg_i بایگانی نمایید، t_i خواندید؟

۳۵. {کدام کارگر را}$_i$ علی بدون آن‌که pg_i به ما معرفی کند، t_i استخدام کرد؟

در مثال‌های ۳٦، ۳۷، ۳۸ رد وابسته قبل از رد واقعی در جمله قرار دارد اما جایگاه رد واقعی در جمله نیز به‌وسیله یک گروه اسمی دیگر اشغال‌شده است. این وضعیت باعث بدساختی جمله‌ها نشده است.

۳٦. {کدام فایل‌ها را}$_i$ علی بدون آن‌که pg_i طبقه‌بندی نماید، {آن‌ها را}$_i$ بایگانی نمود؟

۳۷. {کدام مقالات را}$_i$ شما بدون آن‌که pg_i بایگانی نمایید، {آن‌ها را}$_i$ خواندید؟

۳۸. {کدام کارگر را}$_i$ علی بدون آن که pg_i به ما معرفی کند، {او را}$_i$ استخدام کرد؟

مثال‌های شماره ۳۹، ٤۰، ٤۱ ما را با ویژگی منحصربفرد رد وابسته در زبان فارسی آشنا می‌سازد. در این مثال‌ها جایگاه رد وابسته که قبل از رد واقعی در جمله قرارگرفته است، توسط یک ضمیر اشغال‌شده است ولی جمله‌های تولیدشده از نظر نحوی خوش‌ساخت می‌باشند.

۳۹. {کدام مقالات را}$_i$ شما بدون آن‌که {آن‌ها را }$_i$ بایگانی نمایید، t_i خواندید؟

٤۰. {کدام کتاب‌ها را}$_i$ علی بدون آن‌که {آن‌ها را }$_i$ کادو کند، به زهرا t_i هدیه کرد؟

٤۱. {کدام گزارش‌ها را}$_i$ علی بدون آن‌که {آن‌ها را}$_i$ بخواند، t_i بایگانی نمود؟

بر طبق انگدال (۱۹۸۳) در زبان انگلیسی وجود رد وابسته درصورتی‌که قبل از رد واقعی قرار بگیرد الزامی است (جمله شماره 42.a) و نمی‌توان جایگاه آن را با گروه اسمی و یا ضمیر اشغال نمود (جمله شماره 42.b):

42. a. The man who $_i$ [whenever I meet pg $_i$] t_i looks old is my father.
*b. The man who $_i$ [whenever I meet him $_i$] t_i looks old is my father.

مثال‌های دیگری را می‌توان از زبان فارسی به‌عنوان شواهد تجربی ذکر کرد که در آن‌ها رد وابسته در جمله قبل از رد واقعی قرارگرفته است و بر طبق تعریف رد وابسته (هگمن ۱۹۹٤: ٤۷٤ و انگدال ۱۹۸۳) نمی‌توان در جایگاه رد واقعی گروه اسمی دیگر و یا ضمیر قرار بگیرد اما رعایت نشدن این موضوع در زبان فارسی باعث بدساختی نحوی جمله نخواهد شد.

٤۳. {چه لباسی را}$_i$ علی بدون آن‌که به ما pg_i نشان دهد دیروز به زهرا آن$_i$ را فروخت؟

٤٤. {کدام کارگر را}$_i$ علی بدون آن‌که به ما pg_i معرفی کند برای وام گرفتن از بانک به رییس بانک او$_i$ را توصیه نمود؟

٤٥. {چه لباسی را}$_i$ دوست دارید بدون آن‌که همه pg_i ببینند برای مهمانی فردا آن $_i$ را بپوشید؟

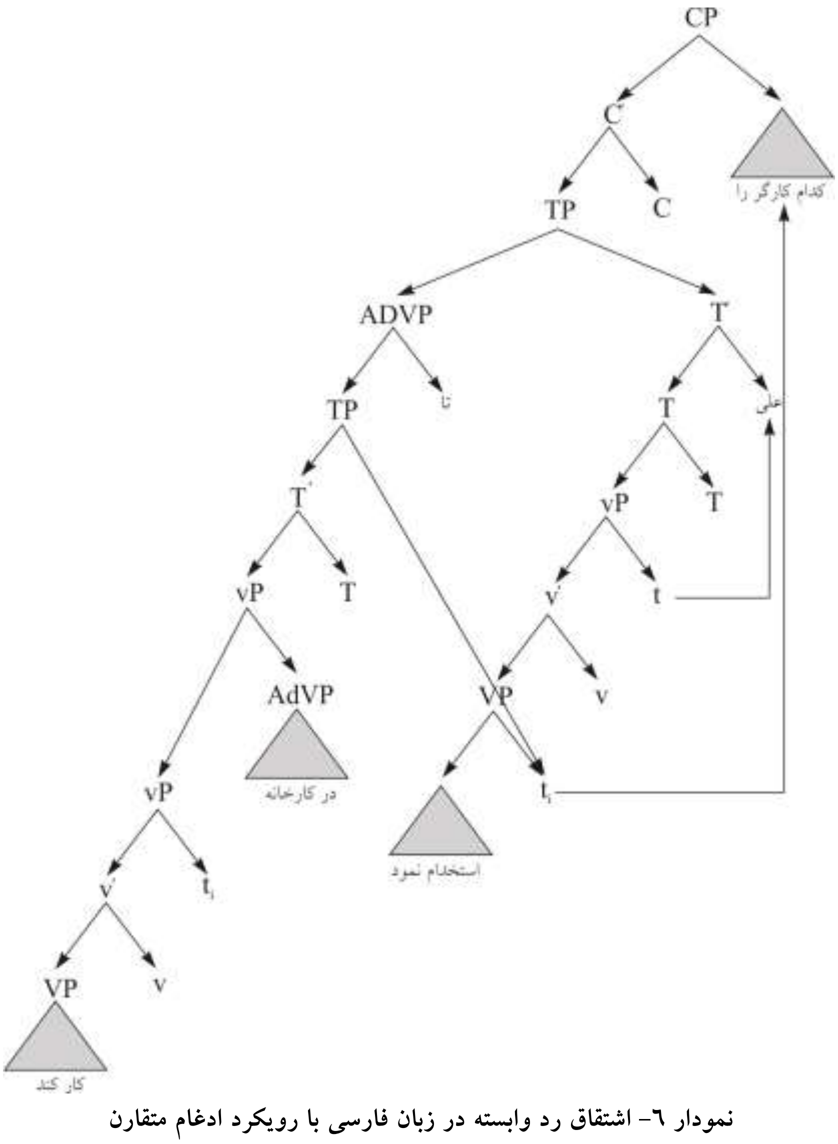
مثال‌های بیشتر از زبان فارسی، گویای این حقیقت است که برخلاف زبان انگلیسی، جایگاه نحوی رد وابسته و رد واقعی در زبان فارسی می‌تواند با یکدیگر متفاوت باشد بدون آن‌که جمله حاصله ازنظر نحوی بدساخت باشد.

٤٦. {کدام کارگر را}$_i$ علی t_i استخدام نمود تا pg_i در کارخانه کار کند؟

٤٧. {کدام نویسنده را}$_i$ بدون آن‌که pg_i شما را بشناسد، t_i دوست دارید؟

در مثال‌های فوق گروه‌های اسمی {کدام کارگر} در جمله شماره ٤٦ و {کدام نویسنده} در جمله شماره ٤٧هم‌زمان دارای دو حالت مختلف می‌باشند. گروه اسمی {کدام کارگر} در جمله شماره ٤٦ در جایگاه رد واقعی دارای حالت مفعولی و در جایگاه رد وابسته دارای حالت فاعلی است. گروه اسمی {کدام نویسنده} در مثال شماره ٤٧ در جایگاه رد وابسته دارای حالت فاعلی است و در جایگاه رد واقعی دارای حالت مفعولی است.

وجود این نمونه‌های زبانی را نمی‌توان با استفاده از رویکرد ادغام متقارن یک گروه اسمی بین دو سازه توضیح داد زیرا یک گروه اسمی دارای دو مشخصه حالت متفاوت با یکدیگر است و در دو جایگاه مختلف در ساختار سلسله مراتبی جمله قرارگرفته است. در مثال شماره ٤٦ گروه اسمی {کدام کارگر را} در بند اصلی جمله در جایگاه مفعول قرار دارد که حالت آن توسط هستهٔ گروه فعلی کوچک ارزش‌گذاری شده است و با حرکت غیرموضوع از نوع حرکت پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم نما حرکت نموده است اما در بند ادات، این گروه اسمی در جایگاه مشخص‌گر گروه بیشینه فعلی کوچک قرار دارد که نظام حالت آن توسط هسته زمان به صورت فاعلی ارزش‌گذاری می‌شود. این وضعیت در نظام تطابق چندگانه پذیرفته نیست زیرا در این نظام، تطابق چندگانه زمانی صورت می‌پذیرد که جستجوگرها دارای نظام حالت یکسانی برای تخصیص به هدف باشند اما با توجه به ساختار درونی مثال شماره ٤٦ (نمودار شماره شش)، ارزش‌گذاری هم‌زمان حالت فاعلی و مفعولی برای یک گروه اسمی امکان‌پذیر نیست.



نمودار ٦- اشتقاق رد وابسته در زبان فارسی با رویکرد ادغام متقارن

همان‌گونه که در نمودار شماره شش نشان داده‌شده است، گروه اسمی {کدام کارگر} در بند ادات جمله در جایگاه مشخص‌گر گروه بیشینه فعلی کوچک در نقش فاعل جمله ادغام‌شده است اما در بند اصلی جمله در جایگاه دختر گروه بیشینه فعلی واژگانی در نقش مفعول ادغام‌شده است. این وضعیت نشان می‌دهد که رویکرد ادغام متقارن برای توضیح پدیده رد وابسته در زبان فارسی دارای نقص است.

کریمی (۱۹۹۹ ب و ۲۰۰۵: ۳۵) در پژوهش خود دربارهٔ رد وابسته در زبان فارسی به موضوع مجوز رد وابسته از طریق مفعول مشخص در جمله‌های زبان فارسی اشاره می‌کند. ایشان (۲۰۰۵: ۳۷) با ارائه تعریف بازنویسی شده از مفهوم مشخص بودگی انک[1] (۱۹۹۱) بیان می‌کند که گروه اسمی در زبان فارسی به دو گروه تقسیم می‌شوند: مشخص[2] و نامشخص[3]. ازنظر کریمی (۱۹۹۹) تنها گروه‌های اسمی مشخص در زبان فارسی که همیشه همراه حرف‌اضافه «را» در جمله ظاهر می‌شود[4]، می‌توانند مجوز دهنده رد وابسته در جمله است (جمله شماره ٤۸ الف.) و گروه اسمی نامشخص (جمله شماره ٤۸.ب) نمی‌تواند مرجع رد وابسته در جمله باشد (کریمی ۱۹۹۹ ب: ۷۰٤):

٤۸. الف. کیمیا {این کتاب را}i قبل از این‌که pg_i بخواند به من داد. (کریمی ۱۹۹۹ ب: ۷۰٤)

* ب. کیمیا { کتاب }i قبل از این‌که pg_i بخواند به من داد. (کریمی ۱۹۹۹ ب: ۷۰٤)

اما با بررسی شواهد تجربی از زبان فارسی می‌توان به این نکته پی برد که کریمی (۱۹۹۹ و ۲۰۰۵) در آثار خود بین دو مفهوم مشخص/ نامشخص و معرفه/ نکره چند نکته را در نظر نگرفته است. به‌عنوان‌مثال در نمونه‌های ذیل:

٤۹. آدم عاقل به بچه کبریت نمی‌دهد.

۵۰. آدم عاقل کبریت را به بچه نمی‌دهد.

۵۱. من برای آتش روشن کردن کبریت را به علی دادم.

---

1. Enç
2. Specific
3. Non-specific

٤. در زبان فارسی حرف اضافه «را» همیشه نشان‌دهنده مفعول مستقیم مشخص نمی‌باشد. به عنوان مثال می‌توان جملاتی را در زبان فارسی ذکر نمود که دارای دو گروه اسمی هستند و هر دو گروه اسمی دارای حرف اضافه «را» می‌باشند (کریمی، ۱۹۸۹).

حسن را برادرش را می‌شناسم.

در جمله فوق نمی‌توان تنها با استفاده از نشانه «را» مفعول مستقیم مشخص را شناسایی نمود زیرا در آن صورت می‌توان به اشتباه «حسن» را به نیز عنوان مفعول مستقیم مشخص در نظر گرفت که این امر صحیح نمی‌باشد. با استفاده از شم زبانی سخنگویان فارسی می‌توان بیان کرد که در جمله فوق مفعول مستقیم مشخص «برادر حسن» می‌باشد که حرف اضافه «را» در میان اجزای این گروه اسمی که در نقش مفعول مستقیم مشخص می‌باشد وارد شده است؛ و یا می‌توان به جمله ذیل اشاره نمود که حرف اضافه «را» در کنار قید زمان بکار رفته است و نمی‌تواند از نظر ساختاری نشان‌دهنده مفعول باشد: امشب را این جا هستم.

۵۲. من برای آتش روشن کردن به علی کبریت دادم.

در جمله‌های (٤۹) و (۵۰)، «کبریت» با «را» یا بدون «را» نامشخص است و به هیچ کبریت مشخصی در جهان ارجاع نمی‌یابد. نکتهٔ مهم دیگر این است که وجود و یا عدم وجود «را» برخلاف نظر ایشان، الزاماً بر مشخص یا نامشخص بودن گروه اسمی «کبریت» دلالت نمی‌کند.

در جملهٔ (۵۱) «کبریت» نشانهٔ «را» دارد و مشخص و معرفه است؛ اما در جملهٔ (۵۲) «کبریت» مشخص است؛ یعنی دربارهٔ یک «کبریت» که مصداقی در جهان دارد، صحبت می‌کند، گرچه این «کبریت» نکره است و به هیچ‌گونه کبریتی که دارای نشانه‌ای شناخته‌شده برای شنونده مانند نشان تجاری باشد، اشاره نمی‌کند. نمونه دیگر در مثال شماره ۵۳ است که در آن گروه اسمی «کتاب» مشخص است، یعنی مصداق دارد، ولی نکره است:

۵۳. کیمیا کتاب به من داد.

خطای دیگر در تحلیل ایشان در مثال ارائه‌شده توسط ایشان است:

٥٤. *کدام کتاب کیمیا t_i {قبل از این‌که pg_i بخواند} به من داد؟ (کریمی، ۲۰۰۵: ۳۷)

بدساختی این جمله هیچ ارتباطی به مسئلهٔ رد وابسته ندارد و بنابراین، نمی‌تواند مبنای تحلیل ایشان قرار گیرد. اگر عبارت درون قلاب را حذف نماییم، جمله دوباره بدساخت خواهد بود (جمله شماره ۵۵):

۵۵. *کدام کتاب کیمیا به من داد؟

جمله فوق همچنان بدساخت است، بدون آنکه رد وابسته داشته باشد.

با توجه به این شواهد تجربی از زبان فارسی دربارهٔ رد وابسته در زبان فارسی می‌توان دو فرضیه را مطرح نمود. فرض اول این است که در زبان فارسی نو، پدیدهٔ رد وابسته وجود دارد ولی ویژگی‌های آن منحصربه‌فرد است، یعنی امکان وجود رد وابسته در جمله حتی درصورتی‌که در جایگاه رد واقعی در جمله یک گروه اسمی و یا ضمیر دیگر وجود داشته باشد و یا این‌که مرجع رد وابسته و رد واقعی می‌تواند هم‌زمان دارای دو نظام حالت متفاوت با یکدیگر باشند. فرضیه دوم این است که در زبان فارسی پدیدهٔ رد وابسته وجود ندارد و ساختارهایی که در آن‌ها می‌توان رد وابسته را مشاهده نمود مانند مثال‌های شماره ٥٦ و ۵۷، نشان‌دهنده تغییرات تدریجی در زبان فارسی نو هستند.

٥٦. {کدام فایل‌ها را}$_i$ علی بدون آن‌که PG_i طبقه‌بندی نماید، {آن‌ها را }$_i$ بایگانی نمود؟

٥٧. {کدام فایل‌ها را}$_i$ را علی t_i بایگانی نمود بدون آن‌که PG_i طبقه‌بندی نماید؟

پذیرش فرضیه اول در تضاد با مبانی نظری مطرح‌شده توسط هگمن (١٩٩٤) و انگدال (١٩٨٣) در تعریف رد وابسته است زیرا رد وابسته ردی است که وجود آن به وجود رد واقعی در جمله وابسته است و در صورت وجود ضمیر و یا یک گروه اسمی در جایگاه رد واقعی، وجود رد وابسته در جمله باعث بدساختی جمله خواهد شد.

پذیرش فرضیه دوم مبنی بر عدم وجود رد وابسته در زبان فارسی با توجه به شواهد تجربی به دست آمده از تحلیل جمله های زبان فارسی نو و همچنین سابقه تاریخی آن، مبتنی بر واقعیت است زیرا که ویژگی‌های مشاهده شده برای ساختارهایی که به ظاهر دارای پدیده نحوی رد وابسته هستند با ماهیت اصلی رد وابسته در تضاد است. با پذیرش این فرضیه می‌توان وجود مثال‌هایی از زبان فارسی نو را که در آن‌ها به‌ظاهر با پدیدهٔ رد وابسته مواجه هستیم به تغییرات تدریجی زبان فارسی مرتبط دانست که در حال پیدایش هستند.

٥. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق بررسی ماهیت پدیدهٔ نحوی «رد وابسته» در زبان فارسی بود و برای انجام این هدف، پدیدهٔ «رد وابسته» بر اساس دو رویکرد پیشنهادی در برنامه کمینه‌گرا توسط نونز (١٩٩٥، ٢٠٠٤ و ٢٠٠٥) و هورنستین (٢٠٠١) مبنی بر حرکت کناره‌ای یک گروه اسمی به دو جایگاه برای بازبینی و ارزش‌گذاری مشخصهٔ حالت خود و همچنین رویکرد «ادغام متقارن» پیشنهادشده توسط چیتکو (٢٠٠٥ و ٢٠١١ب) مبنی بر اشتراک یک گروه اسمی بین دو سازه جمله موردبررسی قرار گرفت. انتقادی که به رویکرد حرکت کناره‌ای وارد شد این بود که گروه اسمی پس از بازبینی و ارزش‌گذاری مشخصهٔ حالت خود توسط گروه فعلی کوچک در بند اصلی، دیگر نمی‌تواند دارای مشخصهٔ تعبیرناپذیر فعال باشد و حرکت آن به بند ادات جهت ارزش‌گذاری مشخصه دوباره فعال‌شده خود مورد تردید است. در رویکرد «ادغام متقارن» و اشتراک یک گروه اسمی بین دو بند در جمله شاهد این موضوع بودیم که اگر گروه اسمی مشترک بین دو بند جمله دارای مشخصه‌های حالت مشابه باشد، می‌توان از این روش به‌صرفه‌تر برای توضیح این پدیدهٔ نحوی بهره جست اما وجود شواهد تجربی از زبان فارسی مانند مثال‌های شماره ٤٦ و ٤٧ که گروه‌های اسمی مشترک بین دو بند جمله دارای

مشخصه‌های حالت متفاوت در هر یک از بندهای جمله هستند، امکان به‌کارگیری روش ادغـام متقارن را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. در ادامه با توجه به ارائهٔ شواهد تجربی از سـه دورهٔ تاریخی زبان فارسی نشان داده شد که در زبان فارسی باستان و میانه ساخت‌هایی کـه در آن‌هـا پدیدهٔ مرجعیت یک گروه اسمی برای چند رد در جمله مشاهده شود، وجود نـدارد و در زبـان فارسی نو با ساخت‌هایی مواجه هستیم که در ظاهر پدیدهٔ نحـوی رد وابسـته در آن‌هـا وجـود دارد اما بررسی دقیق‌تر نشان داد که ویژگـی‌هـای رد وابسـته در آن‌هـا وجـود نـدارد. در ایـن ساختارها وجود ضمیر در جایگاه رد اصلی در جمله باعث بدساختی جمله نمی‌شـود کـه ایـن موضوع برخلاف یافته‌های هگمن (۱۹۹٤) و انگدال (۱۹۸۳) درباره ماهیـت رد وابسـته اسـت. با توجه به این شواهد، نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌کند زبـان فارسـی نـو ماننـد زبـان فارسـی باستان و میانه زبانی فاقد پدیدهٔ نحوی رد وابسته است و وجود ساختارهایی در فارسی نـو کـه به ظاهر در آن‌ها رد وابسته وجود دارد، نشان دهندهٔ تغییرات تدریجی در زبان فارسی است.

کتاب‌نامه

۱- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت.

۲- ارداویـراف‌نامـه (۱۳۸۲). فیلیـپ ژینیـو، ترجمـه ژالـه آموزگـار، تهـران: معـین و انجمـن ایران‌شناسی فرانسه.

۳- رضائی باغ بیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبـان‌هـای ایرانـی. مرکـز دایـره‌المعـارف بـزرگ اسلامی: تهران.

٤- ساداتی نوش‌آبادی، سید مهدی؛ صبوری، نـرجس بـانو (۱۳۹۷). بررسـی حرکـت نحـوی پرسش‌واژه‌ها در فارسی میانه زردشتی بر اساس «اصل نگـارش بنـد» (پژوهشـی بـر پایـه دستور زایشی). جستارهای زبانی .۱۳۹۷; ۹ (٦) :٦۹-۹۱.

۵- ساداتی نوش‌آبادی، سید مهدی؛ صبوری، نرجس بانو (الف۱۳۹۸). بررسی پدیـده حرکـت سازه‌های جمله بر اساس «نظریه کپی حرکت» و «اصل خطی شدگی» در زبان‌های فارسـی باستان و فارسی میانه (پژوهشی بر پایه دستور زایشی). جستارهای زبـانی .۱۳۹۸؛ ۱۰ (۲): ۱٤۷-۱۷۰.

٦- مینوی خرد (۱۳۷۹). ترجمه احمد تفضلی، تهران: توس.

۷- وزیـدگی‌هـای زادسـپرم (۱۳۸۵). ترجمـه و تحقیـق محمـدتقی راشـد محصـل، تهـران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

8- Adger, David. (2003).*Core Syntax, A Minimalist Approach*. Oxford: Oxford University Press

9- An, Duk-Ho. (2007). *Syntax at the PF interface: Prosodic mapping, linear order, and deletion.* Doctoral dissertation, University of Connecticut, Storrs

10- Bosˇkovic', Zˇ. (1994). "D-structure, theta criterion, and movement into theta positions," Linguistic Analysis 24, 247–86.

11- Bresnan, J. (1977)."Variables in the Theory of Transformations," in Culicover, P. W., Wasow and A. Akmajian, eds., Formal Syntax, Academic Press, New York, 157-196.

12- Browning, M. A. (1987). *Null operator constructions,* Doctoral dissertation, MIT. Cambridge: USA.

13- Chomsky, Noam. (1982).*Some Concepts and Consequences of the Theory of Government and Binding.* Foris Publications, Dordrecht, Holland.

14- Chomsky, Noam. (1986b). *Barriers*. MIT Press: Massachusetts

15- Chomsky, Noam (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, Mass.: MIT Press.

16- Chomsky, Noam (2000). Minimalist inquiries: The framework. In step by step: Essays on minimalist syntax in honor of Howard Lasnik, ed. by Roger Martin, David Michaels, and Juan Uriagereka, 89–155. Cambridge: MIT Press.

17- Chomsky, Noam (2001). Beyond explanatory adequacy. MIT Occasional Papers in Linguistics 20. Cambridge, Mass.: MIT, Department of Linguistics and Philosophy, MITWPL.

18- Cinque, G. (1990). *Types of A'-Dependencies* (PhD thesis). MIT. Cambridge: USA.

19- Citko, Barbara (2005). On the Nature of Merge: External Merge, Internal Merge, and Parallel Merge. *Linguistic Inquiry*, Volume 36, Number 4, Fall 2005, 475-496.

20- Citko, Barbara (2011b). *Symmetry in Syntax: Merge, Move, and Labels*. Cambridge: Cambridge University Press.

21- Culicover, Peter W. (2001). Parasitic gaps: A history. In Parasitic Gaps, eds. P. Culicover and P. Postal, 3-68. Cambridge, MA: MIT Press.

22- Enç, Murvet (1991).The semantics of specificity. Linguistic Inquiry 22 (1): 1-25.

23- Engdahl, Elisabet (1983). Parasitic gaps. *Linguistics and Philosophy*, 6: 5-34

24- Epstein, Samuel; M.Groat, Erich; Kawashima, Ruriko; and Kitahara, Hisatsugu (1998). *A derivational approach to syntactic relations*. New York: Oxford University Press.

25- Gartner, Hans-Martin (1999). Phrase linking meets minimalist syntax. In Proceedings of the Eighteenth West Coast Conference on Formal Linguistics, ed.by Sonya Bird, Andrew Carnie, Jason D.Haugen, and Peter Norquest, 159–169.Somerville, Mass.: Cascadilla Press.

26- Grosz, Patrick (2009). *Movement and agreement in right-node raising constructions* (unpublished manuscript) MIT. Cambridge: USA.

27- Hageman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*. Oxford: Blackwell Publishers

28- Hageman, L. (2006). *Thinking Syntactically*. Oxford: Blackwell Publisher

29- Haık, Isabelle (1985). *The syntax of operators* (PhD Thesis). MIT. Cambridge: USA.

30- Hiraiwa, Ken (2005). *Dimensions of symmetry in syntax: agreement and clausal architecture* (PhD Thesis). MIT. Cambridge: USA.

31- Hornstein, N. (2001). *Move! A Minimalist Theory of Construal*. Oxford: Blackwell.

32- Hornstein, N., J. Nunes, and K. K. Grohmann (2005). *Understanding Minimalism*. Cambridge, MA: Cambridge University Press

33- Karimi, Simin. (1999b). A note on parasitic gaps and specificity. *Linguistic Inquiry,* 30 (4): 704-713.

34- Karimi, Simin. (2005). *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*. Mouton De Gruyter.

35- Kayne, R. (1983). Connectedness. *Linguistic Inquiry,* 24, 223-249.

36- Kayne, R. (1994). *The anti-symmetry of syntax*. Linguistic Inquiry Monograph Twenty-Five. Cambridge: MIT Press.

37- Lasnik, Howard. (1995). Last Resort and Attract F. In Papers from the 6th Annual Meeting of the Formal Linguistics Society of Mid- America, vol. 1, ed. by Leslie Gabriele, Debra Hardison, and Robert Westmoreland, 62–81. Bloomington: Indiana University Linguistics Club. Massachusetts Institute of Technology.

38- Munn, Alan. (1993). *Topics in the syntax and semantics of coordinate structures* (PhD thesis). University of Maryland, College Park.

39- Niinuma, Fumikazu (2010). Across-the-Board and Parasitic Gap Constructions in Romanian. *Linguistic Inquiry*, Vol. 41, 161-169

40- Nissenbaum, Jonathan. (2000). *Investigations of Covert Phrase Movement* (PhD thesis). MIT. Cambridge: USA.

41- Nunes, Jairo (1995). *The copy theory of movement and linearization of chains in the minimalist program* (PhD thesis). University of Maryland, College Park.

42- Nunes, Jairo (2004). *Linearization of chains and sideward movement*. Cambridge, MA: MIT Press.

43- Nunes, Jairo; C. Zocca. (2005). "Morphological identity in ellipsis," *Leiden Papers in Linguistics*, 2.2, 29–42.

44- Pesetsky, David (1982). *Paths and categories* (PhD thesis). MIT. Cambridge: USA.

45- Postal, Paul (1993). Parasitic gaps and the across-the-board phenomenon. *Linguistic Inquiry,* 24:735–754.

46- Ross, J. R. (1967).*Constraints on Variables in Syntax* (PhD thesis). MIT. Cambridge: USA.

47- Starke, Michal (2001). *Move dissolves into Merge: A theory of locality* (PhD thesis). University of Geneva.

48- Taraldsen, T. (1981). “The Theoretical Implications of a Class of Marked Extraction”. In Belleti et al. eds. Theory of Markedness in Generative Grammar. Scuola Normale Superiore, Pisa.
49- Williams, Edwin (1990). The ATB theory of parasitic gaps. *The Linguistic Review*, 6:265–279.
50- Zhang, Niina (2004). Move is Remerge. *Language and Linguistics*, 5 (1).189-209.

Persian Language; a Language without Parasitic Gap

Seyyed Mahdi Sadati Nooshabadi[1] (Corresponding Author)
PhD. Candidate for Linguistics, Payam-e-Nour University, Tehran, Iran

Mehdi Sabzevari
Assistant Professor of Linguistics, Payam-e-Nour University, Tehran, Iran

Narjes Banou Sabouri
Associate Professor of Linguistics, Payam-e-Nour University, Tehran, Iran

Mazdak Anoushe
Assistant Professor, Department of Linguistics, University of Tehran, Iran

Received:2020/5/9 **Accepted:2021/1/23**

Abstract

In this paper the parasitic gap in Persian language is explained using the explanations provided by two proposed approaches in the Minimalist Program named as “Sideward Movement” and “Symmetric Merge”. In “Sideward Movement” the parasitic gap is considered as a NP which after valuing its uninterpretable feature in the adjunct clause, moves to the main clause to value its uninterpretable feature again and then moves to the specifier of the CP. This explanation is problematic since the uninterpretable features are checked and deleted after being valued. In the “Symmetric Merge” approach the parasitic gap is considered as a shared NP between the adjunct and main clauses by having the same case feature in two clauses. This approach cannot explain the parasitic gap in Persian language since in some examples the moved NP has two different case features. After reviewing other examples from the old, middle, and new Persian languages and finding that the parasitic gap has particular characteristics such a grammaticality of the sentence even when we have pronoun in the situation of the real gap, it is concluded that the Persian language is a language without parasitic gap.

Keywords: Parasitic Gap, Minimalist Program, Sideward Movement, Symmetric Merge

1- sadati@student.pnu.ac.ir